

بسمه تعالی

فصل ششم

درس سیزدهم

قسمت اول

من و همسر، شما همه!

مدیریت خانواده

سوالات کلیدی:

- ۱- زوج جوان روابط با خانواده‌های خود را چگونه باید تنظیم کنند که ضمن رعایت حرمت ایشان، حریم زندگی خصوصی خودشان نیز حفظ شود؟
- ۲- رعایت چه الگو و اصولی در مدیریت اقتصادی خانواده موجب رضایت بیشتر زوج و تحکیم خانواده می‌شود؟

موقعیت**از قضا سرکنگبین صفرا فزود!**

حسن و عطیه که هر دو از خانواده ای شلوغ و پرجمعیت بودند، به واسطه ی اقتضائات زندگی کارمندی و دغدغه های فراوان اقتصادی، فقط جمعه ها می توانستند با هم باشند و در طول هفته هم که دورهمی های خانوادگی شکل می گرفت یا نمی توانستند در آن ها شرکت کنند و یا برای اینکه فردا به موقع به محل کار خود برسند، باید آنجا را زود ترک می کردند. البته این تنها بخشی از مسئله بود. بخش دیگر این بود که خیلی وقتها می شد که هم از طرف خانواده عطیه و هم از طرف خانواده حسن دعوت می شدند. کار زمانی سخت تر می شد که مناسبتی خاص در پیش بود و پای دوستان دبیرستان و دانشگاه هر دوی آنها هم به جمع دعوت کنندگان باز می شد. گاهی پیش می آمد که در شب های ماه مبارک رمضان، به چهار جا دعوت می شدند و همه هم توقع داشتند که حتما این زوج جوان و خوش برخورد دعوت آنها را پاسخ بدهند. اما این تازه ابتدای ماجرا بود چرا که هر دو شدیداً به دورهمی های فامیلی علاقمند و بند اما عطیه از اینکه آنها زمان کمی را در کنار یکدیگر هستند، شدیداً دلخور و نگران بود. همه اینها زمینه بروز اختلافات بین آن دو را فراهم کرده بود. این اختلاف تا جایی

پیش رفت که هر وقت اسمی از مهمانی و دعوت می آمد هر دو برای نرفتن به مهمانی بهانه های مختلفی می آوردند و حتی عادت پسندیده هفته ای یکبار دیدار پدر و مادر هم اغلب جای خود را به تماس تلفنی می داد. این موضوع از طرف حسن شدت بیشتری گرفته بود چرا که او به دنبال جلب رضایت عطیه و درصدد جبران باهم نبودن های سال های اخیر بود و از طرفی نمی توانست ساعات کاری خود را محدود کند. بنابراین مجبور بود تا از دیدار مادر و خانواده خودش و همسرش چشم بپوشد. اما به قول شاعر "از قضا سرکنگبین صفرا فزود" و عطیه شدیداً نگران روابط آینده خودش با حسن شده بود. استدلال او این بود: تو که انقدر راحت از مادرت که به عمر برات زحمت کشیده و تو رو بزرگ کرده میگذری، چند سال دیگه با من چیکار میکنی؟"

تفکر:

۱. از نظر شما چه مسئله ای باعث بروز اختلاف میان حسن و عطیه شده بود؟
۲. چگونه می توانند این مسئله را حل کنند؟
۳. مسئولیت هر یک از آنها در حل این مسئله چیست؟

طرح مسئله:

قبلاً اشاره کردیم که آغاز زندگی مشترک شروع ساختن یک بنای ارزشمند به نام خانواده جدید است. در اینجا است که مساله ای به نام تدبیر زندگی و مدیریت خانواده اهمیت می یابد و نقش کلیدی پیدا می کند. مدیریت خانواده شامل مشخص کردن نقش ها و قواعد و روابط درون خانواده و تنظیم ابعاد اقتصادی و روابط خانواده با دیگران است.

پرداختن به همه ابعاد مدیریت خانواده در ظرفیت این کتاب نیست اما با توجه به اهمیت این موضوع در شکل گیری و دوام خانواده موفق، در دروس گذشته به مساله روابط درون خانواده پرداختیم و در این درس و درس بعدی به سه جنبه دیگر از آن می پردازیم: **مدیریت روابط با دیگران، مدیریت اقتصادی، تربیت فرزندان** توجه داشته باشید که آنچه در اینجا بیان می شود تنها قدمه ای از موضوع است و برای موفقیت در آن، نیاز به مطالعه و یادگیری دایمی دارید.

مدیریت روابط با دیگران

در دروس قبل گفته شد که روابط موثر بر خانواده جدید تنها رابطه زن و شوهر نیست بلکه روابط با اطرافیان را نیز شامل می‌شود. این روابط و چگونگی آنها، تاثیر بسیار مهمی بر کیفیت زندگی زوج جوان می‌گذارد. زن و شوهر از سویی باید به روابط خانوادگی به عنوان یک نیاز روانی و اجتماعی و به دلیل اهمیت صله ارحام توجه کنند و از سوی دیگر باید بتوانند مرز میان خانواده جدید خود با سایرین را حفظ کنند تا دچار مشکل حسن و عطیه در ابتدای درس نشوند.

در همه ادیان الهی و به ویژه در اسلام، بر ارتباط با اقوام و بستگان تحت عنوان "صله ارحام" تاکید فراوانی شده است. صله رحم که به معنی پیوند و ارتباط با خویشان است، می‌تواند تامین کننده نیازهای اساسی روانی انسان مانند نیاز به برقراری روابط اجتماعی باشد. در واقع، حفظ پیوندهای خانوادگی نه تنها آثار معنوی و اخروی بسیاری در پی دارد، بلکه به سلامت روان افراد نیز کمک می‌کند. معاشرت های خانوادگی سالم، منجر به کاهش احساس طرد و تنهایی در افراد به ویژه هنگام بروز مشکلات و پیشامدهای ناگوار و نیز افزایش حس حمایت و همدلی میان نزدیکان می‌گردد و باعث آثار مثبت بر هویت و احساس خودارزشمندی فرد می‌شود.

دیگرام: برخی آثار فردی و اجتماعی ارتباط با خویشاوندان



*** درس زندگی ***

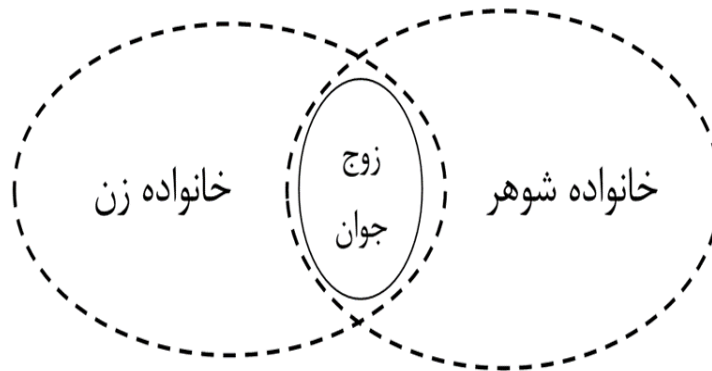
اهمیت صلۀ ارحام در روایات ائمه معصومین:

۱- پیامبر اکرم (ص): الصّدقه علی وجهها و اصطناع المعروف و برّ الوالدین و صلۀ الرّحم تحوّل الشّقاء سعاده و تزیّد فی العمر و تقی مصارع السّوء
صدقه‌ی بجا، انجام اعمال نیک، نیکی به پدر و مادر و صلۀ رحم، شقاوت را به سعادت تبدیل و عمر را زیاد و از پیشامدهای بد جلوگیری می‌کند.
(نهج الفصاحه، حدیث ۱۸۶۹)

۲- امام علی (ع): صَلَّةُ الرَّحِمِ تُدِرُّ النَّعْمَ وَ تَدْفَعُ النَّقْمَ؛
صلۀ رحم، نعمت‌ها را فراوان می‌کند و سختی‌ها را از بین می‌برد.
(غررالحکم، ح ۵۸۳۶)

۳- امام صادق (ع): أَفْضَلُ مَا یُوَصَّلُ بِهِ الرَّحِمُ كَفِّ الْأَذَى عَنْهَا؛
بهترین صلۀ رحم، خودداری از آزار و اذیت خویشاوندان است.
(بحارالأنوار، ج ۷۴، ص ۸۸، ح ۱)

چنانکه گفته شد، در بافت فرهنگی جامعه ما، پیوند زوجین به عنوان پیوند دو خانواده تلقی می‌شود و بنابراین ارتباط با خانواده‌های طرفین در زندگی مشترک نقش مهمی دارد. اما رابطه زوج با خانواده‌های یکدیگر می‌تواند برای زندگی مشترک آن‌ها سازنده و یا آسیب رسان باشد. این موضوع به این بستگی دارد که از چه الگویی در این روابط پیروی می‌کنند و مرز میان خود و دیگران را چطور تعریف می‌کنند. همانطور که در شکل ملاحظه می‌شود، خانواده زوج جوان، از پیوند خانواده‌های طرفین بایکدیگر شکل می‌گیرد. اما با وجود این پیوند، مرزهای میان خانواده اصلی با زوج جوان همچنان پابرجا می‌ماند. بدین ترتیب که دختر و پسر، پس از ازدواج باید وفاداری و تعلق بیشتری نسبت به یکدیگر داشته باشند تا نسبت به خانواده‌های اصلی خود. در مقابل، چنانچه هریک از زوجین، توجه به خانواده اصلی خود را نسبت به همسر، در اولویت قرار دهند و رفتارهایی از قبیل طرفداری از خانواده اصلی خود، ملاقات‌های مکرر با آن‌ها بدون آگاهی همسر و ... را بروز دهند، این امر منجر به شکل‌گیری نارضایتی و مشاجرات زناشویی بین آنان خواهد شد.



شکل بالا: مدل وضعیت بهینه ازدواج در جامعه ایران (چراغی، ۱۳۹۳: صفحه ۸۴)

برای جلوگیری از بروز چنین مشکلاتی می‌توان به طور خلاصه، به ۳ عامل که برای پیشگیری از بروز تنش‌ها و تعارض‌های میان زوجین با یکدیگر در مورد رابطه آنان با خانواده‌های اصلیشان، توجه کرد. هر یک از این عوامل در ادامه شرح داده شده است.

(۱) مرز منعطف

مرز منعطف بدین معنی است که پس از ازدواج، افراد باید با خانواده اصلی خود مرزی مشخص اما منعطف ایجاد کنند. به عبارت دیگر، این مرز به واسطه ازدواج، میان این خانواده جدید با خانواده‌های اصلی خود شکل می‌گیرد در نتیجه این امر، زوجین، ضمن حفظ ارتباط مطلوب با خانواده‌های خود، از استقلال رای و عقیده در تصمیم‌گیری‌ها نیز برخوردار هستند. نکته مهم در این رابطه آن است که زن و شوهر، هر دو در ایجاد و حفظ این مرز با خانواده اصلی خود مسئول‌اند. ایجاد چنین مرزی در مرحله اول نیازمند توافق زوج بر سر این موضوع است که کدامیک از مسائل و مشکلات و به طور کلی اطلاعات زندگی مشترک خود را می‌توانند به خانواده‌های اصلی خود منتقل کنند، طوری که تعادل میان حفظ احترام خانواده اصلی و حفظ حریم خانواده خودشان رعایت شود. باید توجه داشت که رعایت احترام والدین هر دو طرف در هر شرایطی ضروری است و عامل مهمی برای پایداری ازدواج به شمار می‌رود.

(۲) پیوستگی

پیوستگی به این معناست که پس از ازدواج، هر یک از زوجین، عضو جدیدی از خانواده همسر خود محسوب شده و به آن تعلق دارد. از این رو، خانواده همسر، باید نسبت به این عضو تازه، همچون دیگر اعضا، پذیرش،

حمایت و روابط گرم و محبت آمیزی داشته باشند، به طوری که فرد، در روابط خود با آنان دچار این احساس نشود که خانواده همسرش، نسبت به او رفتار تبعیض آمیزی دارند و یا از ورود او به این خانواده ناراضی هستند. هریک از دو طرف باید برای پذیرفته شدن همسرشان در خانواده اصلی خود تلاش کنند.

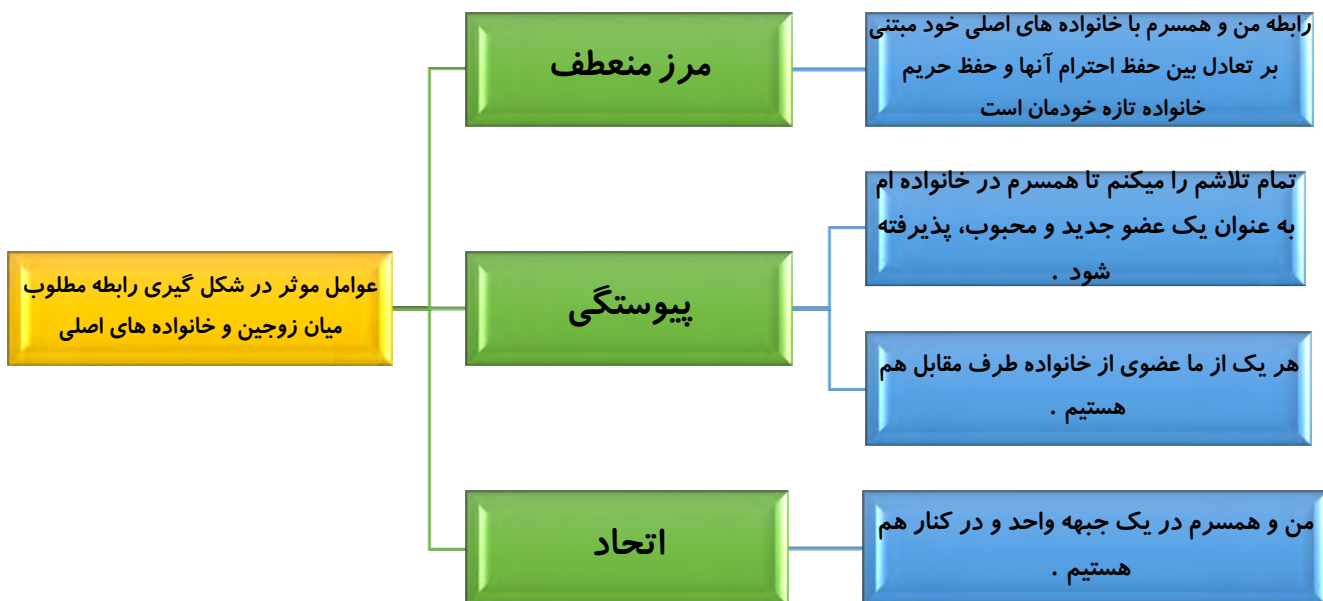
۳) اتحاد

منظور از اتحاد، حضور زن و شوهر در یک جبهه واحد و در نظر گرفتن منافع مشترک در مقابل اطرافیان است. همان گونه که اعضای یک تیم، مسئولیت ها و وظایف مشخصی در جهت دستیابی به یک هدف مشترک دارند، زوج جوان نیز می بایست به مانند یک تیم عمل کنند. اما این هدف تنها در صورتی محقق خواهد شد که زوجین با یکدیگر رابطه ای توأم با صمیمیت، حمایت و درک متقابل داشته باشند. تعیین نقش ها و انتظارات و مسئولیت های مربوط به آن (که در درس چهارم به آن پرداختیم) در این موضوع بسیار مهم است. بدیهی است که منظور از این اتحاد در افتادن با خانواده های اصلی نیست بلکه هویت دادن و توجه به خانواده جدید است.

*** نکته ***

قبلا درباره کمک زوج به یکدیگر برای موفقیت در مسئولیت ها صحبت کردیم. نباید فراموش کرد که یکی از مهم ترین مسئولیت های هر انسانی، توجه و محبت به والدین است

دیاگرام: عوامل موثر در شکل گیری رابطه مطلوب میان زوجین و خانواده های اصلی



*** شوخی های جدی ***

مردی به خانمش:

"خیال نکن من خانواده تو را دوست ندارم. اتفاقاً اصلاً این جور نیست. مثلاً من مادر همسر تو را خیلی بیشتر از مادر همسر خودم دوست دارم"

بر مبنای آنچه گفته شد، برای برقراری رابطه ای موفق و موثر میان زوجین و خانواده های آن ها، می توان اصولی تعیین کرد که برخی از آن ها عبارتند از:

- رعایت احترام و توجه نسبت به خانواده خود و خانواده همسر در همه حال.
- رعایت حقوق والدین دو طرف.
- پابندی به مرزها و حدود شرعی و اخلاقی در روابط با دیگران (از جمله محرم و نامحرم و رعایت حیا و عفاف).
- نوشتن اشتباهات و رفتارهای نادرست خانواده همسر به پای همسر خود.
- رعایت انصاف در قضاوت درباره خانواده طرف مقابل.
- مطرح نکردن مشکلات و اختلافات زندگی زناشویی خود در خانواده های اصلی (در عوض مشورت و مشاوره با افراد ذی صلاح).
- عدم مقایسه خانواده و اقوام خود با خانواده و اقوام طرف مقابل و سرزنش او (یا آنها) و در عوض تلاش برای درک و پذیرش تفاوت های میان خانواده خود و طرف مقابل.
- بیان و تاکید بر نقاط قوت طرف مقابل در حضور خانواده همسر و یا خانواده خود.
- پرهیز از بدبینی و منفی نگری در مورد خانواده همسر.

*** نکته ***

علاوه بر مدیریت روابط با خانواده ها، تنظیم روابط با دوستان و اطرافیان هم بسیار مهم است. روابط پیش از ازدواج هر یک از دو طرف با دوستان نه می تواند به شکل قبلی ادامه یابد و نه باید به کلی قطع شود. رسیدن به یک تعادل معقول در این بین نیاز به همفکری و کمک همسران با هم دارد. اما همواره باید اولویت را به خانواده جدید داد که مثل نهال نوپایی است که نیاز به رسیدگی و توجه دارد.

فعالیت گروهی در کلاس:

در زیر یک نمونه از روابط زوجین با خانواده های والدین خود که موجب بروز اختلاف و درگیری خانوادگی شده، آورده شده است. این زوج اخیراً برای حل مشکلات خود به یک مشاور خانواده مراجعه کرده اند. در گروه خود به بررسی این مورد پرداخته و پاسخ سوالات را به کلاس گزارش دهید .

❖ لیلا و امیرعلی

لیلا و امیرعلی حدود یک سال و نیم است که با هم ازدواج کرده اند. آن دو زندگی خوب و آرامی با یکدیگر داشتند اما سه ماه پیش، امیرعلی به علت تعدیل نیرو در محل کار خود، شغلش را از دست داد و به دنبال یافتن شغلی مناسب بود. آن‌ها تا یافتن شغل جدید با یکدیگر قرار گذاشته بودند که این جریان را بین خود نگه دارند. اما پدر و مادر لیلا متوجه ناراحتی و افسردگی او شدند و در نهایت لیلا به اصرار مادرش، مشکل را با او درمیان گذاشت. یک هفته بعد، پسر عموی لیلا که مدیریت یک شرکت بزرگ را بر عهده دارد، طی یک تماس تلفنی امیرعلی را برای کار در شرکت خود دعوت کرد و همین مسئله موجب شد تا میانه او و لیلا شکراب شود. چون طبق قول و قرار قبلی شان امیرعلی دوست نداشت کسی علی‌الخصوص خانواده همسرش پی به این مسئله ببرند. اما لیلا معتقد بود که اگر در هنگام مشکلات، از والدین خود تقاضای کمک کنند، حتماً مسائل آنان برطرف خواهد شد و به همین دلیل امیرعلی باید قدر پدر و مادر او را بداند که همیشه به فکر آن‌ها هستند. با این حال امیرعلی که به شدت از دست لیلا عصبانی و گله مند بود، پیشنهاد کاری پسرعموی او را رد کرد و با سخنانی نه چندان شایسته، با او برخورد کرد. این جریان که به گوش لیلا رسید، دعوی سختی بین او و امیرعلی درگرفت و اوضاع از آنچه که بود بدتر شد. درنهایت آن‌ها تصمیم گرفتند برای اصلاح رابطه‌ی آسیب دیده‌شان به یک مشاور خانواده مراجعه کنند.

۱. لیلا و امیرعلی کدام یک از اصول برخورد مناسب همسران با خانواده هایشان زیرپا گذاشته اند و به کدامیک از عوامل ارتباط زوجین با خانواده های اصلی خود بی توجهی کرده‌اند؟
۲. آنها چگونه می‌توانند مشکل پیش آمده را حل کنند و از تکرار آن پیشگیری کنند؟

مدیریت اقتصادی خانواده

اقتصاد خانواده و مدیریت صحیح آن، موضوعی است که مستقیماً با رضایت از زندگی در افراد و سطح رضایتمندی زناشویی در ارتباط است. از این رو، از اهمیت به سزایی برخوردار است.

سبک زندگی مبتنی بر قناعت

بسیاری از ما، در مقابل برخی کالاها یا خدماتی که به وسیله تبلیغات جذاب عرضه می شود، تسلیم می شویم چرا که در آن لحظات به آن کالا احساس نیاز می کنیم. اما در واقعیت، بین نیاز و خواسته تفاوت زیادی هست. برای مثال، آب نیاز ما است ولی نوشابه خواسته ما. اما در تبلیغات، این محصول به عنوان یک نیاز مطرح می شود و در نتیجه ما را به مصرف آن تشویق می کنند. ما قادر هستیم تا برای بهبود کیفیت زندگی از برخی خواسته های خود چشم پوشیم و در عوض به نیازهای مان بپردازیم

سبک زندگی در تامین معاش خانواده بسیار موثر است. مرد و زن در خانواده مصرف گرا همیشه به دنبال به دست آوردن منابع مالی بیشتر برای تامین خواسته ها (و نه نیازها) هستند. برای چنین خانواده ای به مرور کسب درآمد بیشتر به اولویت اصلی زندگی تبدیل می شود و خواسته های بی پایان خانواده، فرصتی برای احساس رضایت و خوشبختی نسبت به زندگی مشترک باقی نخواهد گذاشت.

اما زن و مرد در خانواده قانع به واسطه ی قناعت خود، فرصت در کنار هم بودن را بیشتر تجربه میکند و برای افزایش صمیمت و ارتباط عمیق تر در خانواده تلاش می کنند. چنین خانواده ای از ساده ترین امکانات و فرصتها برای داشتن اوقاتی رضایت بخش در کنار هم استفاده می کنند. ویژگی قناعت باعث می شود به جای این که خود را همواره در یک رقابت بی جا و بی پایان بر سر مادیات - که عامل ایجاد اضطراب و افسردگی است - درگیر کنند؛ به آنچه دارند قانع باشند و از آن لذت ببرند. در چنین سبکی از زندگی است که **درآمد حلال و هزینه به دور از اسراف** محوریت پیدا می کند. زن و مرد به دنبال افزایش درآمد خود از هر طریقی نمی روند و برکت در زندگی ایشان نمود پیدا می کند.

یک نمونه واقعی از سبک زندگی مبتنی بر قناعت

من سالها در تهران زندگی کرده بودم. تابستان امسال با خانواده به یک میهمانی در یکی از روستاهای گیلان آمدم و بعد از یک شب استراحت و تجربه آرامش روستا، من و همسرم به هم نگاه کردیم و گفتیم اینجا چقدر برای زندگی مناسب است. همسرم پیشنهاد داد بعد از بازنشستگی برای زندگی به اینجا بیاییم. داشتم فکر می کردم که بازنشستگی یعنی چه و من کی بازنشسته می شوم. به یاد کلاس های درسم افتادم. در کلاس های «طراحی مسیر زندگی» به دانشجویان می گویم شاید کارهایی که برای بعد از بازنشستگی گذاشته اید را همین حالا هم

بتوانید انجام دهید. همان لحظه بحث به این سمت پیش رفت که چه موانعی برای اجرایی کردن ایده مهاجرت به روستا داریم که لازم است آنها را برطرف کنیم و چرا الان مهاجرت نکنیم. وضع ادامه کار، فعالیت‌های اجتماعی، کسب درآمد، مدرسه بچه‌ها و خیلی چیزهای دیگر را بررسی کردیم و دو طرف ترازوی نامتعادل زندگی در تهران با یک روستا در شمال ایران را مقایسه کردیم.

از روز میهمانی در گیلان تا روز سکونت در روستا حدود ۲۸ روز طول کشید. همان روز اطراف را گشتیم و پرس‌وجو کردیم و ۱۰ روز بعد دوباره با خانواده به اینجا آمدیم که بیشتر شرایط را بررسی کنیم. مدرسه بچه‌ها، نحوه زندگی در روستا و مشکلات و خوبی‌های این سبک زندگی را. بعد از آن بچه‌ها مدام بررسی می‌کردند که این مهاجرت چه خوبی یا سختی‌هایی برای آنها دارد.

کفه ترازو به سمت روستا سنگین‌تر و تصمیم مهاجرت قطعی شد.

ما پنج روز صبح تا شب در تمام این خانه‌ها را تک‌تک زدیم و از ساکنین روستاها سراغ خانه‌ای برای اجاره گرفتیم ولی خانه‌ای پیدا نشد. کم‌کم داشتیم ناامید می‌شدیم و احساس می‌کردیم که بالاخره قسمت نبود تا اینکه در عصر روز پنجم یکی از املاکی‌ها گفت خانه‌ای با ۱۰ هزار متر حیاط را برای اجاره به بنگاه سپرده‌اند. من و همسرم همدیگر را نگاه کردیم، می‌دانستیم که امکان اجاره چنین خانه‌ای برای ما وجود ندارد ولی مشتاق بودیم که خانه‌ای با این مشخصات را ببینیم.

هزینه رهن خانه در روستاهای شمال بسیار کمتر از یک آپارتمان در تهران است. صاحبخانه که مستاجر پیدا کرده بود، با ما کنار آمد و با قیمت مناسبی مستاجر خانه رویاهایمان شدیم. هر روز بچه‌ها با طبیعت سر و کار دارند و تعامل خوبی با آن پیدا کرده‌اند. مه صبحگاهی جایگزین دود شده و صدای بوق خودرو و ترافیکی در کار نیست



شرح عکس

«محمدعلی اسماعیل‌زاده» در آستانه ۴۰ سالگی به همراه همسر و ۶ فرزندشان از تهران به خانه‌ای زیبا و با صفا در روستا کوچ کردند

*** نکته ***

درآمد کم یا زیاد، به تنهایی مخرب یا تقویت کننده صمیمیت بین زوجین نیست. گاهی ممکن است صمیمیت در خانواده‌ای که از نظر رفاه در شرایط مطلوبی نیستند بسیار بیشتر از خانواده‌ای باشد که سطح رفاهی بالایی دارند. برخی مواقع، زوجیهایی که باهم مشکل دارند، عامل این مشکل را کمبودهای اقتصادی تلقی می‌کنند اما

پس از بررسی مشخص می‌شود که ریشه مساله جای دیگر است و کمبود اقتصادی تنها بهانه‌ای برای اظهار آن است. مثلاً زنی که از بی‌توجهی و کمبود محبت همسرش شکایت دارد ممکن است با بیان خواسته‌های زیاد مادی به دنبال جبران این بی‌توجهی باشد. طبیعتاً مرد توان برآوردن این خواسته‌ها را ندارد و اختلاف میان آنها بالا می‌گیرد. در اینجا ابتدا به نظر می‌رسد که کمبود مادی عامل ایجاد اختلاف است در صورتی که عامل اصلی بروز اختلاف، کم توجهی مرد نسبت به زن است

نکاتی درباره مدیریت درآمد و هزینه در زندگی

۱- توجه به دوگانه انتخاب-پیامد: در درس پنجم به اهمیت این دو گانه در تصمیم‌گیری‌ها پرداختیم. به همین ترتیب، در هر تصمیم اقتصادی که ما برای خانواده اتخاذ می‌کنیم نیز باید به پیامدهای کوتاه مدت و بلند مدت آن توجه داشته باشیم ممکن است هزینه‌ای در کوتاه مدت اثر خوبی داشته باشد اما ما را از هزینه‌های مهمتری که در آینده به آن‌ها نیاز پیدا می‌شود، بازدارد

۲- توجه به انتخاب عقلانی به جای احساسی: در درس پنجم درباره اهمیت پرهیز از انتخابهای احساسی سخن گفتیم. موضوعی که در مدیریت هزینه‌های خانواده هم نقش به‌سزایی دارد. زن و مردی که در مورد هزینه‌های زندگی خود به صورت عقلانی و با مشورت بایکدیگر تصمیم‌گیری می‌کنند، به مرور نسبت به یکدیگر اعتماد بیشتری کسب می‌کنند در نهایت احساس رضایت بیشتری از زندگی با هم خواهند داشت.

۳- ضرورت آموزش الگوی مصرف به فرزندان والدین می‌توانند به وسیله سیستم ارائه تقویت‌های مثبت و پاداش، به کودکان خود شیوه صحیح مصرف انرژی‌های تجدیدناپذیر مانند آب، برق و گاز را آموزش دهند. برای مثال، چنانچه از کودک خواسته شود تا پس از هربار خروج از اتاق، لامپ را خاموش نماید، در خانه در فصل زمستان لباس گرم تری بپوشد و یا هنگام ورود و خروج، درهای خانه را برای جلوگیری از نفوذ هوای سرد کاملاً ببندد، در نتیجه رعایت این نکات می‌تواند از باقیمانده پولی که والدین برای پرداخت بهای قبوض خانه کنار گذاشته‌اند، برای خود کتاب یا اسباب بازی بچرد. بدین ترتیب، کودک یاد می‌گیرد که درست مصرف کردن نه تنها یک ارزش و فرهنگ محسوب می‌شود بلکه، می‌تواند در کاهش هزینه‌های زندگی در هر خانواده‌ای موثر باشد

۴- تنظیم الگوی صحیح مصرف از ابتدای زندگی: اگر زن و شوهر از ابتدای زندگی درمورد شیوه و علل هزینه‌های زندگی خود به توافق برسند و درآمد خود را بر اساس یک الگوی منطقی و پذیرفته شده هزینه کنند، با این کار، چارچوب مناسبی را برای ادامه زندگی خود پایه‌ریزی کرده‌اند. مثلاً کسی که در ابتدای زندگی بدون

حساب و کتاب هرچیزی را که دوست دارد، می خرد یکن پیام را به صورت ضمنی به همسرش منتقل می کند که تو هم هرچه دوست داری و در هر زمان و با هر قیمتی که خواستی، می توانی بخری. از طرف دیگر در مورد استفاده از ابزار و لوازم زندگی (کالاهای غیر مصرفی) همت و دقت شما در نگهداری و تعمیر و مواظبت از آنها همسران را هم در یکن زمینه حساس خواهد کرد و او هم خود را مسئول حفظ و نگهداری از لوازم زندگی خواهد دانست.

گفت و گو در کلاس

- ۱- آیا می توانید رابطه بین مدیریت اقتصادی و افزایش صمیمیت در خانواده را تبیین کنید؟
- ۲- تلاش برای کسب درآمد بیشتر تا چه میزان قابل قبول است؟ چه محدودیت هایی در این زمینه وجود دارد؟

جمع بندی

اتحاد و هماهنگی میان زوج برای بقای زندگی مشترک و مدیریت خانواده امری ضروری است. مدیریت خانواده جنبه های مختلفی دارد از جمله تنظیم روابط با اطرافیان و ایجاد شرایطی که در آن حریم خانواده و حرمت دیگران به درستی حفظ شود. موضوع دیگری که در مدیریت خانواده مهم است مدیریت اقتصادی خانواده است. زندگی مبتنی بر قناعت و کسب حلال می تواند آرامش و رشد پایدار را برای خانواده به ارمغان بیاورد.

سوالاتی برای تفکر بیشتر :

- ۱- نحوه ارتباطات خانواده شما با خانواده های اصلی و اقوام تان چگونه است؟ باتوجه به آنچه که در این درس فراگرفته اید، در خانواده شما این بخش از ارتباطات، به طور مثبت شکل گرفته و یا نیاز به تجدید نظر و اصلاح دارد؟
- ۲- شما برای مدیریت مالی زندگی آینده خود چه اهدافی را در نظر گرفته اید؟ قصد دارید از چه شیوه هایی در برنامه ریزی برای افزایش درآمد و مدیریت هزینه های زندگی استفاده کنید؟

بسمه تعالی

فصل ششم

درس سیزدهم

قسمت دوم

از فضل پدر (و مادر) تو را چه حاصل؟

خانواده و فرزندان

سوالات کلیدی :

۱- ضرورت فرزندآوری چیست و چه نتایج دارد؟

۲- چه رویکردی برای تربیت فرزند کارآمدتر و موثرتر است؟

طرح مسئله :

یکی از اهداف اصلی تشکیل خانواده برای اغلب انسانها، فرزندآوری و امتداد نسل است. امتداد نسل چه به لحاظ فردی و چه به لحاظ اجتماعی اهمیت بالایی دارد. در تفکر اسلامی از فرزند تحت عنوان "هدیه" و "امانتی" بزرگ یاد شده است، و دختر و پسر بودن آنان نیز در پیشگاه الهی تفاوتی با یکدیگر ندارد (بر اساس آیات ۴۹ و ۵۰ سوره شوری). آنچه که در اسلام بر آن تاکید شده است، ضرورت تلاش زوجین برای تربیت فرزندان صالح است و بر این اساس، فرزند دار شدن نیازمند برنامه ریزی، یادگیری اصول تربیتی و کسب شایستگی های روانی توسط همسران پیش از اقدام برای آن است. به ویژه وجود رابطه خوب میان همسران - که در دروس پیشین مورد بحث قرارگرفت - لازمه ایجاد محیط مناسب برای تربیت فرزندان است.

الف- اهمیت فرزندآوری

غالب انسانها به طور فطری دوست دارند که فرزندان شایسته و نیکوکاری داشته باشند. خداوند متعال در قرآن کریم می فرماید:

"والذین یقولون ربنا هب لنا من ازواجنا و ذریاتنا قره اعین و اجعلنا للمتقین اماما"

"و (مومنین) کسانی هستند که می گویند: پروردگارا!! به ما از همسران و فرزندان مان آن ده که مایه روشنی چشمان (ما) باشد و ما را پیشوای پرهیزکاران قرار ده". (سوره فرقان، آیه ۷۴)

بر اساس تفسیر نور این آیه دربرگیرنده پیام های زیر است:

- ❖ انسان در برابر همسر و فرزند و نسل خود متعهد است و باید برای عاقبت نیکوی آنها تلاش و دعا کند.
- ❖ در تربیت علاوه بر علم و تلاش باید از خدا نیز کمک خواست.
- ❖ فرزند صالح، نور چشم است.
- ❖ تشکیل خانواده و داشتن همسر و فرزند و دعا برای به دست آوردن آنها، مورد توجه اسلام قرار دارد.

از دیدگاه دینی فرزندان صالح از جمله بهترین «باقیات الصالحات» برای پدر و مادر هستند که کارهای نیک ایشان موجب ثواب برای والدین است. تجارب بشری و مطالعات دانشمندان نیز آثار مختلفی برای فرزندآوری بیان می کند از جمله:

در قالب گرافیکی مناسب ارایه شود

- ✓ پرورش تعهد و مسئولیت پذیری فردی و اجتماعی
- ✓ ارضای حس مادری و پدری
- ✓ رفع تنهایی به ویژه در سنین کهنسالی
- ✓ بخشیدن معنای جدید و درک ابعادی تازه از زندگی
- ✓ تقویت رابطه زوجین افزایش ثبات و استحکام خانواده و
- ✓ رشد شخصی پدر و مادر
- ✓ احساس خوشبختی و لذت بیشتر از زندگی

ب- اهمیت فرزند پروری

این روزها به هر کتابفروشی که سر بزیند چشمتان به دهها عنوان کتاب از نویسندگان ایرانی و خارجی درمورد روش های تربیت فرزند می افتد و اگر صفحات اول آن ها را ورق بزنید، متوجه می شوید که هرکدام از آن ها ادعا می کنند چنانچه والدین به توصیه های نویسنده کتاب توجه کنند، قطعاً مشکلات شان با فرزندان از بین خواهد رفت. نظر شما درمورد این قضیه چیست؟ اگر روزی صاحب فرزند شوید، فکر می کنید از کدامیک از این نظریه ها و روش ها استفاده می کنید؟ از همان شیوه ای که والدین تان در مورد شما استفاده کرده اند، بهره می گیرید یا ترجیح می دهید که با مطالعه و بررسی و کسب مشورت با دیگران، فرزند خود را تربیت کنید؟

به طور قطع هیچ دانشمند و محققى حتى با در اختیار داشتن بیشترین امکانات و تجهیزات نمی تواند همه این روش ها را مورد آزمایش و مقایسه قرار داده و به این نتیجه برسد که کدام یک از آن ها باید به عنوان

موثرترین و جامع ترین شیوه تربیت فرزند مورد استفاده والدین در سراسر دنیا قرار گیرد. چرا که اصولا تربیت و پرورش انسان ها وابسته به چارچوب های مذهبی، فرهنگی، اجتماعی و اخلاقی درون هر جامعه است. از این رو، می توان گفت که گرچه برخی اصول کلی و جامع برای فرزندپروری وجود دارد که در همه جای دنیا با هر دین و آیین و فرهنگی مشترک بوده و قابلیت اجرا دارد؛ اما بسیاری اصول دیگر با توجه به تفاوت چارچوبهای گفته شده در بالا و هم چنین ویژگی های فردی، اعم از توانایی های جسمانی و ذهنی و نیازهای متفاوت انسان ها می بایست به صورت ویژه برای یک فرزند به کار گرفته شود، در صورتی که اجرای آن در مورد فرزندی دیگر ممکن است مشکل ساز باشد. ما در این درس تنها برای آشنایی شما با این مبحث به برخی از اصول کلی فرزند پروری و نیز روش های مختلف رابطه والدین با فرزندان که مورد توافق اکثر متخصصین قرار دارد و می تواند به طور مشترک برای همه فرزندان مورد استفاده قرار گیرد، اشاره خواهیم کرد.

چند اصل کلی تربیت فرزند: میتواند در یک دیاگرام یا اینفوگرافی بیاید

✓ الف - الگو سازی و تربیت مبتنی بر رفتار به جای گفتار

- یادگیری مهارت های زندگی توسط والدین و به کارگیری آن ها در زندگی خانوادگی و در نتیجه آموزش مستقیم و غیر مستقیم این مهارت ها به فرزند متناسب با سن و توانایی های ذهنی او. مهارتهایی از قبیل: مسئولیت پذیری، مدیریت هیجانات، مدیریت استرس، برقراری رابطه موثر با دیگران، مثبت نگری، حل مسئله، تصمیم گیری و ...
- واگذاری مسئولیت هایی به فرزند متناسب با سن، توانایی ها و علائق وی

درس زندگی

طوری زندگی کن که هروقت فرزندان به یلمان، انصاف، هدفمندی یا محبت فکر می کنند به یاد تو بیافتند

✓ ب- پذیرش فرزند به عنوان یک فرد مستقل که نیازها و توانایی هایش با والدین متفاوت است

- تمایز میان نیازهای خود به عنوان والد و نیازهای واقعی فرزند و اجتناب از خود خواهی
- اجتناب از کمال طلبی افراطی در مورد فرزند.

✓ پ- برقراری رابطه ای گرم و صمیمی اما قاطعانه با فرزندان.

- تعیین چارچوب های مشخص اما منعطف برای رفتارها و فعالیت های فرزندان متناسب با سن آنها.
- ابراز محبت و عشق بدون قید و شرط.

گفت و گو در کلاس:

- ۱- چه مصادیقی برای اصول بالا می توانید بیان کنید؟
- ۲- پدر و مادر هر یک چه نقشی در رعایت این اصول دارند؟

*** درس زندگی ***

حضرت علی (علیه السلام) می فرمایند:

لا تقسروا اولادکم علی آدابکم فانهم مخلوقون لزمان غیر زمانکم

شرح نهج البلاغه، ابن ابی الحدید، ج ۲۰، ص ۲۶۷

یعنی فرزندانتان را به انجام آداب و رسوم خودتان واندارید؛ زیرا آنان برای زمانی، غیر از زمان شما آفریده شده اند. بدیهی است که در این سخن ارزشمند منظور آداب و رسومی است که با گذشت زمان دستخوش تغییر و تحول می شوند نه اصول و ارزشهای ثابت دینی یا اخلاقی.

فعالیت گروهی در کلاس:

ابتدا دو داستان زیر را مطالعه کنید و سپس در گروه خود به پرسش ها پاسخ دهید.

الف) داستان مسعود و والدین سهل گیرش

مسعود ۱۹ ساله و تک فرزند خانواده، همه زندگی والدین اش محسوب می شود. از همین رو، والدین وی از زمان کودکی اش، همواره سعی می کردند تا مطابق میل او عمل کرده و همه خواسته ها و آرزوهای او را اجابت کنند که نکند با کوچکترین مشکلی مواجه شود. همین اواخر بود که پدرش با استفاده از پس انداز سی ساله کارمندی خود، به عنوان هدیه تولد برای مسعود یک ماشین خرید تا وی بتواند در مقابل دوستان و اقوام خودی نشان دهد و به قول معروف سری بین سرها در بیاورد. این درحالی است که مسعود که هنوز گواهینامه نگرفته، علیرغم مخالفت و نگرانی والدینش هرروز ماشین را برمی دارد تا همراه با دوستانش خیابان گردی و تفریح کند. نکته مهم تر اینکه، مسعود از والدین خود خواسته که اسباب و لوازم مهاجرت او را هم فراهم کنند، چون معتقد

است که او با این همه هوش و استعداد نمی تواند در اینجا پیشرفت کند و حتما در یکی از دانشگاه های معتبر خارج از کشور پذیرفته خواهد شود. والدین مسعود نیز با نظر او موافق اند فقط نمی دانند که چگونه می توانند هزینه های مهاجرت و تحصیل پسرشان را که تا به حال نمره ای بالاتر از ۱۳ نگرفته، فراهم کنند تا یگانه فرزندشان بتواند با خیالی آسوده و راحت زندگی کند. اما مسعود گوشش بدهکار این حرفها نیست و معتقد است که والدینش برای او کم می گذارند و دایم از آنها شکایت دارد. او همه ناتوانیها و بی مسوولیتیهای خودش را به دوش والدینش می گذارد.

ب) داستان فرزانه و والدین مستبدش

فرزانه در سال آخر دبیرستان مشغول به تحصیل است و پس از کنکور طبق قرار خانواده ها که از دوران کودکی برای او و پسر عمه اش (شهاب) گذاشته شده است، قرار است با او ازدواج کند. اما او هنوز تردید دارد که آیا در این سن از آمادگی کافی برای ازدواج برخوردار هست یا خیر. اگرچه فرزانه استعداد خوبی در زمینه علوم زیستی و پزشکی دارد اما اعتماد به نفس او در این زمینه نسبت به بقیه هم سن و سال های خودش بسیار پایین است. فرزانه اساسا نمی داند که برنامه اش برای آینده چیست و چرا باید به دانشگاه برود و اصلا باید کدام رشته تحصیلی را در دانشگاه انتخاب کند. فقط فکر می کند که بهتر است به توصیه های پدرش مبنی بر انتخاب رشته پزشکی عمل کند و اصلا دوست ندارد با او مخالفت کند. در خانواده آن ها مرسوم نیست که فرزندان در مورد تصمیم ها و مسائل زندگی خود با والدین شان گفتگو کنند. دو برادر بزرگتر او هم در همان رشته مورد علاقه پدر یعنی مهندسی تحصیل کرده اند. به طور کلی، در خانواده فرزانه همیشه این پدر بوده است که برای بقیه تصمیم گرفته و اعضای دیگر خانواده مجبور به رعایت نظرات و سلاقی او بوده اند.

۱- والدین مسعود و فرزانه در روش تربیت فرزندشان، در دوره کودکی و نوجوانی دچار چه اشتباههایی شده

اند؟ چرا؟

۲- اگر شما به جای این والدین بودید چه می کردید؟

۳- از نظر شما مسعود و فرزانه در آینده چه شرایطی خواهد داشت؟

گفت و گو در کلاس

با توجه به دو مورد بالا در باره ی سوالات زیر در کلاس گفت و گو کنید :

۱- به نظر شما والدین باید بر رفتارهای فرزندان خود محدودیت و کنترل اعمال کنند و یا اینکه آنان را آزاد

بگذارند؟ حدود این محدودیت یا آزادی را بر چه مبنایی و چگونه می توان تعیین و اعمال کرد؟

۲- اگر بخواهید الگوی سومی را برای تعامل با فرزندان به والدین پیشنهاد کنید، این الگو از چه ویژگی هایی

برخوردار است؟

*** شوخی های جدی ***

"گویا راه و رسم تربیت بچه را همه می دانند جز آدم های بچه دار!"

سبک های فرزند پروری

دو شیوه‌ای که در مثالهای بالا به آن اشاره شد دو شیوه از تربیت فرزند هستند که هر دو شیوه‌های نامناسبی تلقی می‌شوند. به طور کلی می‌توان گفت والدین به چهار شیوه مختلف با فرزندان خود ارتباط برقرار و رفتار می‌کنند. به این شیوه‌ها سبک های فرزندپروری گفته می‌شود که از ترکیب دو بعد تشکیل شده است

(۱) بعد کنترل والدین بر فرزندان:

این بعد شامل تعیین مسؤلیتهای فرزندان در خانواده و کنترل و نظارت بر فعالیت های آنان است.

(۲) بعد پذیرش، گرمی و محبت والدین نسبت به فرزندان:

بعد پذیرش دربرگیرنده پذیرش و تامین محبت و بی قید و شرط، حمایت، امنیت، دلبستگی و هم چنین پاسخ به نیازها و خواسته های فرزندان است.

	کنترل	بُعد سبک
پذیرش	پایین	مستبد
بالا	پایین	سهل گیر
پایین	پایین	غفلت‌ورز
بالا	بالا	مقتدر

بر این اساس چهار سبک فرزندپروری مشخص می‌شود که شامل بر موارد زیر است

(۱) والدین مستبد:

والدین مستبد از نظارت و کنترل بالا ولی گرمی، حمایت و پذیرش پایینی در تعاملات خود با فرزندان استفاده می‌کنند. از این رو سخت گیر، جدی و خشک به نظر می‌رسند و تمایلات و خواسته های فرزندان خود را نادیده می‌گیرند.

۲) والدین سهل گیر:

والدین سهل گیر برعکس والدین مستبد، روابط گرم و صمیمی بیشتری با فرزندان خود دارند و آنان را بیشتر مورد حمایت و پذیرش خود قرار می دهند، با این حال، نظارت و کنترل کمی بر رفتارهای آنان اعمال می کنند. درواقع، این دسته از والدین، آزادی عمل و عقیده بیش از حدی به فرزندان خود داده و سعی می کنند تا همواره خواسته های آنان را در اولویت قرار دهند.

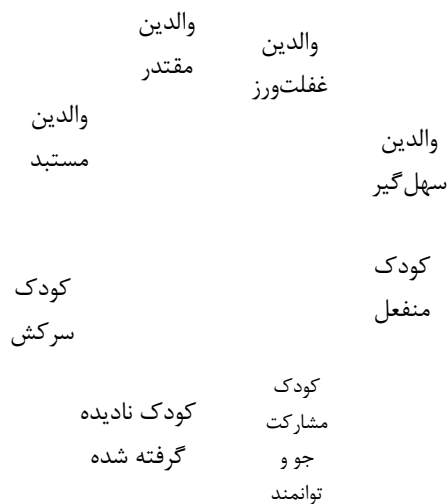
۳) والدین غفلت ورز:

والدین غفلت ورز، همانطور که از نام شان پیدا است، اصولاً نسبت به فرزندان خود و نیازهای آنان بی توجه و بی تفاوت اند. کنترل پایینی بر فعالیت های آنان دارند و هیچ اصل و قاعده ای برای آنان در خانواده تعیین نمی کنند، کمتر فرزندان خود را مورد محبت و حمایت قرار می دهند و به طور کلی تمایلی به به برقراری رابطه با فرزندان ندارند.

۴) والدین مقتدر:

والدین مقتدر نظارت و کنترل مطلوبی بر رفتارهای فرزندان شان داشته و چارچوبی مشخص اما انعطاف پذیر برای فعالیت های آنان در خانواده تعیین می کنند و در عین حال رابطه گرم و صمیمانه ای با آنان برقرار کرده و به نیازهای آنان رسیدگی می کنند. به عبارت بهتر، این گروه از والدین قادرند تا با رفتارهای قاطعانه خود با فرزندان، بین دو بعد کنترل و توجه اعتدال برقرار کنند.

شکل گرافیکی (این طرح پیشنهادی است، به شکل جذابتری هم قابل آرایه است):



شکل: نتایج سبک های فرزندپروری والدین بر فرزندان

*** درس زندگی ***

آسان تر است که به دنبال تربیت فرزندان صالح و سالم باشیم تا اصلاح بزرگسالان آسیب دیده.

جمع بندی

فرزندآوری و فرزندپروری هر دو از اهمیت بالایی در زندگی انسان برخوردار هستند. مسولیت تربیت فرزندان جز با آگاهی و احساس وظیفه قابل انجام نیست. توجه به انتخاب سبک مناسب فرزندپروری و نحوه اجرای آن برای هر پدر و مادری لازم است. همچنین یادگیری اصول دینی و علمی تربیت فرزند وظیفه والدین است. در این درس تنها اشاره‌ای به این موضوعات داشتیم که زمینه را برای یادگیری شما در آینده فراهم کنیم. قبلا اشاره کردیم که در مسایل مربوط به ازدواج و خانواده یادگیری دایمی اصلی ضروری و انکار ناپذیر است. طبیعتا در موضوع تربیت فرزند که سرنوشت انسان دیگری هم مطرح می‌شود اهمیت این موضوع دو چندان خواهد بود.

سوالاتی برای تفکر بیشتر

- ۱- شما برای رعایت تعادل بین کنترل کردن و اختیاردادن به فرزندانان چه اصولی را رعایت خواهید کرد؟
- ۲- فکر می‌کنید با همسر آینده‌تان درباره چه مواردی در حوزه تربیت فرزندان باید گفتگو کنید و به توافق برسید؟
- ۳- نحوه تربیتی که والدینتان درباره شما به کار برده اند چه تاثیراتی بر شخصیت فعلی شما و همچنین بر نوه تعامل شما با فرزندان آینده‌تان گذاشته؟